

واگرایی قوم بلوچ و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران

کیوان جوکار

گروه علوم سیاسی - جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

احمد بخشایشی اردستانی^۱

گروه علوم سیاسی - اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

فردین باقری

گروه علوم سیاسی - اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

عبدالحسین الله کرم

گروه علوم سیاسی - اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۳۰

چکیده

ایران کشوری متنوع از نظر قومی است. ویژگی‌های متمایز کننده اقوام از دیک دیگر در ایران بیشتر بر مولفه‌های زبانی و مذهبی متمرکز می‌شود. سکونت قومیت‌های ایرانی عمدتاً در مناطق مرزی و هم‌جوار با کشور هم‌زبان خود، زمینه مناسبی را برای وقوع بحران‌های قومی و متاثر ساختن امنیت ملی کشور فراهم می‌آورد؛ از طرفی در مطالعات بین‌المللی استفاده تاکتیکی از قومیت‌ها بسیار اهمیت یافته است. بر این اساس، نتیجه پژوهش حاضر که بر اساس مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای انجام گرفته، بر این فرض مبتنی است که برخورد سخت، امنیتی و سیاسی با گروه‌های قومی سبب افزایش احساس محرومیت سیاسی و اقتصادی در آنها می‌شود. این مسأله احساس رضایت، حساسیت، اعتماد و مشارکت سیاسی قومیت‌ها، توان سیاست‌سازی دولت در زمینه حفظ یکپارچگی، انسجام و هویت ملی را کاهش داده، زمینه بهره‌برداری فرصت‌طلبانه کشورهای بیگانه فراهم می‌آورد. آگاهی به شرایط و عواملی که سبب تنش در روابط قومی در ایران می‌شوند، می‌تواند به اتخاذ راه کارهای اجرایی بهتر و موثرتر بیانجامد. دولت مرکزی باید با اتخاذ سیاست‌های موثر و اجرایی قومیت‌ها را به سوی مشارکت ملی سوق دهد.

واژه‌های کلیدی: شکاف قومی - مذهبی، امنیت ملی، قوم بلوچ، واگرایی

مقدمه

امنیت یکی از موهباتی است که بشر همواره در پی آن بوده است و جوامع انسانی پیوسته تلاش داشته‌اند تا به آن دست یابند و از آن پاسداری کنند. استقرار امنیت و عمدن بحران از شرایط مهم یک زندگی سالم اجتماعی است. امنیت هم در قالب حفظ مرزها و هم در قالب بستر امن برای فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی انسانها، همیشه مورد توجه بوده است. امنیت و برقراری آن یکی از مهمترین دغدغه‌های حاکمان بوده که به آن به عنوان امری حیاتی توجه داشته‌اند؛ به گونه‌ای که یکی از وظایف اصلی و غیر قابل اجتناب دولتها، برقراری امنیت به شمار می‌رود. همیشه نقش کارساز و تعیین کننده امنیت مورد توجه صاحبانظران و سیاستگذاران بوده است که در قالب دو محور اساسی مورد توجه قرار می‌گیرد: حفظ مرزهای جغرافیایی کشور و حفظ نظم و امنیت داخلی. به دلیل وجود تغییرات فراوان سیاسی در کشور و همچنین، برخورداری ایران از تنوع فراوان قومی و اقلیمی، آسیب پذیری امنیت داخلی نیز افزایش می‌یابد. قرار گرفتن در مجاورت کشورهای که امنیت آنها با بی‌ثباتی زیادی روبروست و همچنین کشورهایی که مفهوم استقلال را به تازگی تجربه کرده‌اند، از دیگر ویژگیهای مهم ایران در زمینه مفهوم امنیت به شمار می‌رود. از عوامل موثر بر ایجاد امنیت عدم نیروهای گریز از مرکز است که ما در این مقاله سعی در بررسی آن داریم.

کمال مطلوب هر حکومت ملی، برخورداری از یک ملت یکپارچه است که در میان اعضای آن، تفاوت‌های چشمگیرزبانی، مذهبی، قومی و نژادی وجود نداشته باشد و همگان به یک هویت فراگیر ملی تعلق خاطر داشته‌وبه آن وفادارباشند؛ اما در میان کشورهای مستقل جهان کمترکشوری یافت میشود که به طورطبیعی دارای جمعیتی فاقد تفاوت‌های زبانی، مذهبی و قومی باشد. ایران نیزسرزمینی است که در جریان تحولات گوناگون تاریخی وحرکت‌های جمعیتی، ترکیبی ازاقوام برادر خود جا داده است.

فلات ایران ناحیه ای جغرافیایی - منطقه ای و فرهنگی است که همواره باعث تنوع نژادی و قومی شده است. در این میان تنوع و تکثراقوام تشکیل دهنده جامعه ایران به نحوی است که اطلاق واژه های کثیرالقوم و جامعه چند قومی به ترکیب جمعیتی آن، از ترکیب و واقعیتی انکارناپذیرخبرمیدهد. حضور زندگی قومیت های مختلف چون ترکها، لرها، فارسها، کردها، بلوچها، ترکمنها، عربها درکنار یکدیگرودرچارچوب جغرافیای سیاسی واحد، بیانگر موزاییک قومی - مذهبی هویت و تمدن ایرانی است.

در عصر جهانیسازی فرهنگی آن دسته از ارزشهای هویتی که از پویایی و سیالیت و قدرت انتقالبالاتری برخوردار باشند، شانس بیشتری برای بقا دارند. هویت ایرانی از بارزترینشاخصههای کنونی ملت ایران هستند که میتوانند در برابر پدیده جهانی شدن با حفظ ارزشهایهویتی از طریق ایجاد وحدت و همبستگی ملی، بقاء ملی ایران را حفظ نمایند. از دیدگاه جغرافیایسیاسی ملت ایران دارای شکاف قومیتی و مذهبی میباشد که در عصر کنونی و به واسطه افزایشآگاهیهها محسوستر شدهاست. گسترش ارتباطات و روند جهانی گرایی فزاینده، انرژی نهفته مذهب و قومیت را

آزاد نموده و در نتیجه نه تنها درگیری های قومی، مذهبی و نژادی را در سطح فروپاشی یکپارچگی ملت ها رقم زده، بلکه امنیت ملی واحدهای سیاسی را نیز دچار مخاطرات فراوان کرده است.

پدیده قومیت با پیشینه و خاستگاه ها و ویژگیهایی که دارد در جهان امروز ابعاد وسیع و روزافزونی پیدا کرده است. از شگفتی های دهه های اخیر این است که از یک طرف شاهد جدی شدن فرآیند جهانی شدن و فرهنگ و بازارهای اقتصادی و شیوه حقوقی سیاسی هستیم و از سوی دیگر ناظر ظهور انواع اختلافات قومی و تأکید بر بنیادی ترین هویت گروهی و وفاداری های قومی در بسیاری از مناطق و کشورهای جهانی. به رغم پیش بینی بسیاری از متخصصان توسعه و ناظران بین المللی در دهه های اخیر، نگاه منفی به تحرکات قومی و اقدامات بازدارنده نه تنها کمکی به زوال احساسات نکرده، بلکه در بسیاری احساسات را تشدید نموده است امروزه گستره قومیت گرایی به نحوی است که ۸۰ درصد کشورهای جهان به نوعی با این پدیده درگیر هستند هرچند از نظر بستر شکل گیری، محتوا و میزان خشونت متفاوتند. ایران کشوری است که گروه های قومی و مذهبی گوناگونی را در خود جای داده است. گروه هایی که بعضاً در مقاطع تاریخی مختلف مشکلات بزرگی را پیش روی امنیت ملی و یکپارچگی کشور ایجاد کرده است. گاه این معضلات ناشی از شکاف قومیتی و گاه برگرفته از شکاف مذهبی بوده است که در دوران قبل و پس از انقلاب اسلامی شاهد آن بوده ایم. همچنین منطقه خاورمیانه که ایران واقع شده است به دلیل موزاییکی بودن آن از جهت نژادی و مذهبی از دیرباز شاهد بحرانهای متعددی بوده است. تحولات اخیر منطقه بویژه در کشورهای سوریه، یمن و برگزاری همه پرسی استقلال در اقلیم کردستان عراق و همچنین سیاستهای غرب و متحدان منطقه ای آن نشان از این دارد که شکاف قومی مذهبی در حال تشدید شدن است.

از آنجاکه جمعیت ایران به لحاظ زبان، پوشش، مذهبی و ویژگیهای جسمانی از ترکی متنوعی برخوردار است. بسیاری از دانشمندان و پژوهشگران، ساختار جمعیت ایران را ترکیبی متشکل از گروههای قومیت وسیع میکنند. در جامعه چندقومی ایران شناسایی خرده فرهنگهای مختلف قومی و زبانی ضروری بوده و می بایست الگوی خاص و مناسبی با وضعیت جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، سیاسیو... ارائه شود. در ایران انسجام و در پی آن امنیت در سطح ملی که محصول دستگاه حکومت در وجه قانونگذاری، اجرایی و قضایی است نقش عمده ای در ایجاد و حفظ انسجام و امنیت ملی در سطوح مختلف ایفا می کند. قوم بلوچ، قوم غالب منطقه شرق کشور می باشد که دنباله قومی آن به خارج از مرز کشیده شده و به جهت مؤلفه های نظیر قومیت، مذهب و دوری از مرکز کمتر در تحولات بزرگی که حداقل در سده اخیر کشور را متاثر ساخته نقش عمده ای ایفا کرده. این عدم مشارکت در کنار تحولات منطقه ای و جنگهای مذهبی منطقه و همچنین شرایط اقتصادی و اجتماعی آنها میزان همگرایی این قوم را با ملت ایران متاثر ساخته است. مرز نشین بودن این قوم نیز آنها را مستعد پذیرش تحرکات قومی و بعضاً تجری طلبانه کرده است.

لذا در این مطالعه از یکسواختلافها و اشتراکها الگویی قوم بلوچ در ایران و از سوی دیگر عوامل تهدیدکننده آنها علیه همگرایی و امنیت پایدار ملی بررسی خواهیم کرد.

مساله تکثر قومی و مذهبی در همه کشورها جزء دغدغه‌های اصلی سیاستمداران بوده و هست و زمانیکه این موضوع با امنیت ملی گره می‌خورد از اهمیت و حساسیت فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌شود؛ اما وجود تمایزهای قومی همواره به طور بالقوه می‌تواند منشأ بروز تنش‌های زودگذر یا شکلگیری تنش‌های واگرا با پیامدهای درازمدت برای امنیت ملی باشد. شکافها و تعارض گروه‌های متنوع، نقش مهمی در میزان ثبات یا ایجاد بی‌نظمی و ناامنی کشور دارد. این شکافها و تعارضات ممکن متقاطع یا موازی، فعال یا غیر فعال، واحد یا متعدد باشند. تعداد گروه‌ها، موازی بودن آنها و فعال شدن شکافها موجب اختلاف با سایر مناطق و دولت مرکزی و در نتیجه بی‌ثباتی و ناامنی می‌گردد که در ایران قابل مشاهده است؛ زیرا در اغلب مناطق قومی نشین کشور، تضاد قومی و نژادی با تضاد زبانی و تفاوت مذهبی همراه است. اگر این تضادها فعال و شکافها عمیق شود موجب تضعیف و به خطر افتادن امنیت ملی خواهد شد. بنابراین، مطالعه دقیق عواملی که می‌توانند به واگرایی میان اقوام و مذاهب ساکن در ایران منتهی شوند، از ضرورت‌های پژوهشی جامعه‌فعلی ایران می‌تواند به شمار آید.

مبانی نظری

در تنظیم و تدوین مبانی نظری تحقیق به دنبال آن هستیم تا با تعیین حد و مرز مفهومی و نظری فضای عمل خود را در ترسیم و نگارش اصل پژوهش مشخص کرده و تعیین نماییم. بدون شک بدون داشتن یک چارچوب نظری منسجم و منطقی نمی‌توان پژوهشی در خور توجه و قابل اعتماد را ارائه نمود. در تحقیق پیش رو نیز با تعیین مفاهیم و پیشرانهایی که معتقدیم اثرگذاری زیادی در موضوع مورد مطالعه ما دارند فضا و چارچوب حرکت خود را تعیین نموده و خود را مقید به رعایت و وفاداری به آن می‌دانیم.

قوم: قوم (ethno, ethnic)، قومیت (ethnicity) و آمیزه‌های واژگانی هم‌پیوند، از آن دسته واژگان مفهومی به شمار می‌روند که همچون یکی از ابزارهای طبقه‌بندی و شناخت گروه‌های گوناگون انسان‌های همزیست با ویژگی‌های همسان، و بازشناسی این یا آن گروه از مردم برپایه یک یا چند ویژگی هم‌ریشه یا متفاوت، به کار می‌رود. قوم همچون یک نهاد اجتماعی و همزیست گروه‌گسترده‌ای از انسانها، از شکل‌های نخستین نهادها و سازمان‌های اجتماعی است که در دوردست بلند و کمابیش تاریک جهان باستان پدید آمده است. در این پژوهش ما سعی داریم ویژگیها و مشخصات دو قوم کرد و بلوچ را بطور خاص بررسی نماییم.

واگرایی

واگرایی از قانون و حکومت مرکزی نوعی گسست ارزشی در زمینه قواعد و الگوهای قانونی است که نظم بیرونی جامعه را برقرار می‌کند؛ به عبارت دیگر واگرایی از حکومت نوعی بیگانگی در عدم مشروعیت و مقبولیت قوانین حقوقی در میان افراد جامعه و به ویژه کسانی است که در تشکیل‌های سنتی سیاسی و ایلی خود متشکل گشته‌اند. عدم پذیرش و مقبولیت قوانین حقوقی و قضایی در جامعه منجر به حل و فصل اختلافات خارج از چارچوب قانونی می‌گردد. در نتیجه میان دولت قانونی و اقتدار سنتی تعارض و اختلاف به وجود می‌آید که واگرایی را دامن زده و بحران را تشدید می‌کند.

امنیت ملی: معنی کردن مفهوم امنیت ملی در جهان امروز کار پیچیده ای است. این واژه در قرن بیستم و به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم متداول شده است. در ساده ترین تعاریف، امنیت ملی این گونه تعریف می شود: توانایی یک ملت برای حفاظت از ارزش های حیاتی داخلی در مقابل تهدیدات خارجی و این که کشورها چگونه سیاست ها و تصمیمات لازم را برای حمایت از ارزش های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی، اتخاذ می کنند. امنیت ملی به الزاماتی اشاره می کند که بقای دولت ملیرا از طریق به کارگیری قدرت اقتصادی، ارتشو توان سیاسیو استفاده از ابزار دیپلماسی حفظ نماید. امنیت ملی در دو گفتمان سلبی و ایجابی بیان شده است. امنیت ملی در گفتمان سلبی به پاسداری از سرزمین، حاکمیت و مردم در مقابل خطرات و تهدیدات دشمنان کشور معطوف است و گفتمان ایجابی ضمن حفظ منافع ملی به دنبال کسب فرصت ها برای توسعه و پیشرفت می باشد.

امنیت

واژه security از واژه لاتین secure گرفته شده است، در زبان فارسی معادل هایی همچون امن، محفوظ، مطمئن، تامین کردن و ... برای آن آورده شده است. بطور کلی امنیت عمدتاً به نوعی احساس روانی گفته می شود که در آن به خاطر میرا بودن از ترس، وضعیت آرامش و اطمینان خاطر حاصل می شود. به همین منظور با گذشت زمان تغییراتی در توقعات و نیازهای انسانها، متغییر های جدیدی نیز تعریف می شود (بابایی، ۱۳۶۶: ۵۱). به عنوان مثال، محیط زیست که روزی اصلاً مورد توجه قرار نداشته است، امروزه به عنوان یکی از مهمترین عوامل برهم زننده امنیت بشر تلقی می شود.

باری بوزان در خصوص امنیت معتقد است که بایستی امنیت را برابر با رهایی از تهدید تعریف نمود و از نظر وی امنیت در نبود مساله دیگری به نام تهدید در ک می شود. این تعریف بوزان به تعریف امنیت در دوران جنگ سرد که مضیق و تک بعدی و مورگنتایی بود نزدیک است، ولی خود بوزان امنیت را پس از جنگ سرد، درگر در نبود تهدید سنتی تعریف نمی کند، او می گوید: "امنیت را باید چند بعدی نگریست که ابعادی مانند مهاجرت، سازمانهای جنایی فراملی و فروملی، محیط زیست و رفاه اقتصادی را شامل می شود". از نظر بوزان دیگر دولت تنها مرجع امنیت محسوب نمی شود، گروه های فراملی، سازمان های فراملی و فروملی رسانه ها و تروریسم همگی در وجوه امنیت مرجع هستند (ابراهیمی، ۸۶: ۱۲).

امنیت ملی نیز عبارت است از توانایی دولت و ملت در برابر ارزشهای حیاتی خود در قبال خطر یعنی آسیب پذیری داخلی و تهدید خارجی. اهدافی که به عنوان هدفهای امنیت ملی پیگیری می شوند عبارتند از:

- ۱- حفظ استقلال و تمامیت ارضی
- ۲- تحقق رفاه مردم و ثبات سیاسی
- ۳- حفظ و اشاعه ارزشهای ملی و اعتقادی
- ۴- فراهم کردن امکان فراغت خاطر نسبت به تهدید های احتمالی

قومیت و امنیت

امنیتی دیدن حقوق قومیتها یعنی این که حقوق قومیتها به عنوان تهدیدی وجودی در نظر گرفته می شود بنابراین حوزه کار آمدی و مسئولیت پذیری دولت در برابر آن کاهش یافته و قومیتها قابلیت مذاکره و انعطاف پذیری خود را از دست داده، انکار یا سرکوب می شوند. امنیتی دیدن مساله قومیتها که به سیاستهای همانند سازی دولتی منجر می گردد سبب پذیرش ارزش ها، الگوها و سبک زندگی گروه برتر توسط اقوام و جذب و هضم آنها در بطن گره برتر می شود. همانند سازی ممکن است در اشکال فرهنگی، ساختاری، هویتی، مدنی و رفتاری و به دوروش خشونت آمیز و منعطف نمود یابد. در نوع منعطف آن دولت برای کاهش اختلافات فرهنگی و ایجاد حقوق شهروندی برای گروه های قومی تلاش می کند؛ اما در بعد خشونت آمیز دولت تلاش می کند تا با نسل کشی، پاک سازی قومی را تهدید و آن ها را در الگوی فرهنگی خود هضم کند (عزیزی آذر کمند، ۱۳۹۰: ۷). این شکل از همانند سازی و اعمال سیاست های تک فرهنگی نه تنها موجب ناامنی روانی و ذهنی قومیت ها می شود بلکه کارآمدی و مشروعیت سیاسی دولت مرکزی را کاهش داده، اعتماد، رضایت و مشارکت سیاسی گروه های قومی را از بین می برد. با توجه به تغییر محیط امنیتی نظام بین الملل و اهمیت بافتن بعد نرم افزاری امنیت با همان ظرفیت سیاسی کشورها، نارضایتی سیاسی قومیت ها نه تنها می تواند بعد نرم افزاری امنیت دولت را تهدید کند بلکه می تواند زمینه بهره برداری فرصت طلبانه کشورهای خارجی به بهانه های مختلف را فراهم کند.

برخورد سخت افزارانه، امنیتی و سیاسی با گروه های قومی سبب افزایش احساس محرومیت سیاسی و اقتصادی در آن ها می شود. این مساله رضایت، حساسیت، اعتماد و مشارکت ساسی قومیت ها، توان سیاست سازی دولت در زمینه حفظ یک پارچگی، انسجام و هویت ملی را کاهش داده، زمینه بهره برداری فرصت طلبانه کشورهای بیگانه را فراهم می آورد.

در طول تاریخ مدیریت سیاسی جامعه ایران به جای آن که از گروه های اقتصادی و یا گروه های طبقاتی تشکیل شود، از رهبران گروه های قومی تشکیل شده است. طی تاریخ مدیریت سیاسی که متکی بر گروه های خاصی بوده با بهره گیری از موقعیت خاص جامعه ایران و با قدرت و حاکمیت خود کامه و استبدادی خود، تعارضات و تضاد های اجتماعی را به شکل مبارزات قومی - مذهبی درآورده است (سیف الهی، ۱۳۸۱: ۱۱۷).

قوم بلوچ

ریشه بلوچ: درباره ریشه بلوچها اجماع نظر وجود ندارد. عمده بحث در این زمینه بر محور دو نظریه است: یکی ریشه ایرانی (آریایی) و دیگری ریشه عربی. بر اساس نظریه دوم، بلوچها عرب و از اعقاب حمزه، عموی پیامبر اسلام (ص) هستند. ولی نظریه اول برای قوم بلوچ ریشه ایرانی قایل است و نظریه دوم را فاقد مستندات تاریخی می داند.

در مورد نژاد بلوچ آنچه مورد توافق بیشتر نویسندگان و جامعه شناسان است، نژاد آریایی مردم بلوچ است. به سبب موقعیت جغرافیایی منطقه، قوم بلوچ نژاد خود را به خوبی حفظ کرده است. کمیسیون ملی بونسکو درباره نژاد بلوچ می گوید:

بدون شک قوم بلوچ از همین اقوام آریایی جدا شده و پس از گذشتن از مناطق شمالی به جنوب آمده اند و قرابت زبان بلوچی با زبان باستانی موید این تصویر است. عطاالله آمینگل از رهبران سیاسی پاکستان می گوید: ما همانند کردها آریایی هستیم، ما سامی نیستیم، اگر چنان که اعراب می خواهند از زبان بلوچی دست بکشیم، چگونه میتوانیم خود را بلوچ بنامیم؟ ما نمی توانیم زبان و هویت خود را رها کنیم (طاهری، ۱۳۸۶: ۶).

تاریخ و جغرافیای بلوچستان

سرزمین بلوچستان با مساحتی در حدود ۱۷۵۰۰۰ کیلومتر مربع در جنوب شرقی ایران واقع و بین دو عرض جغرافیایی ۲۵ الی ۳۲ درجه عرض شمالی و ۵۸ الیه ۷۰ در جه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ گسترده شده است. علیرغم وجود تفاوتی در جغرافیای طبیعی، بلوچستان به طور کلی سرزمینی خشک و لم یزرع و گرم است که درجه حرارت متوسط آن به چهل درجه سانتیگراد می رسد. میزان بارش در آن کم است و تنها منابع آن قناتها و کاریزهایی هستند که از آب زیر زمینی تغذیه می شوند. در نتیجه این شرایط طبیعی، میزان پراکندگی جمعیت در آن بالاست و مناطق مسکونی در فاصله های طولانی از یکدیگر قرار دارند. به لحاظ هوای گرمسیری بیشتر درختان این پهنه خرما و مرکبات اند. چون آب و هوای این منطقه شباهتی بسیار نزدیک به آب و هوای هندوستان دارد، درختانی چون انبه، نارگیل، موز، انجیر، تمر هندی و خربزه درختی و ... در بلوچستان پرورش می یابند و نیز به سبب استعداد خاص این منطقه، به آن هندوستان کوچک می گویند (افشار، ۱۳۷۱: ۶۵).

ویژگی های فرهنگی قومی مردم بلوچ

اکثریت بلوچ ها در بلوچستان اهل سنت و حنفی مذهب هستند، از این رو بلوچ ها با اکثریت ملت ایران که شیعه هستند تفاوت مذهبی دارند. تقریباً بعد از مشروطه، نقش آفرینی اهل سنت در سطح ملی، روند کاهنده ای داشته است که پیامد آن انزوای نواحی سنی نشین، کاهش مشروعیت و مقبولیت حکومت و تنشهای ناحیه ای بوده است. مقوله زبان و گویش در قالب زبان، هنگامی بیشتر می شود که با اختلافات مذهبی در هم می آمیزد. زبانهای اصلی در سیستان و بلوچستان بلوچی، فارسی و براهویی می باشد و لهجه های بلوچی در مناطق بلوچ نشین ایران و پاکستان به مراتب به هم نزدیک ترند تا به زبان فارسی (عزیزی، آذر کمند، ۱۳۹۰: ۱۳).

بلوچها انسانهایی آزاده، مهمان نواز، راستگو، ناموس پرست، دلیر و شجاع، سختکوش و جنگجو هستند. مردم بلوچ به تاثیر از شرایط خاص محیط خویش، استوار، بردبار و با حداقل امکانات زندگی می کنند و شاید تحمل آنها در برابر مشکلات و سختیها، در هیچ یک از طوایف ایران وجود نداشته باشد. آنان در دوستی ثابت قدم و وفادارند و در دشمنی سرسخت و انتقام جو. مردم بلوچستان سخت پایبند به اعتقادات مذهبی و دینی خویش اند. نماز را به موقع و با جماعت به جا می آورند و در سخت ترین شرایط روزه می گیرند و شکستن روزه را گناهی بزرگ می شمارند.

حتی در مسافرت و نیز تا حد امکان نماز به صورت کامل (نمازهای فریضه شکسته و نمازهای مستحبی کامل) خوانده می‌شود. اعیاد آنان منحصر به اعیاد مذهبی است و در میان اعیاد مذهبی بیشتر از همه برای عید فطر و قربان اهمیت قابل هستند و با توجه به اعتقادات مذهبی خود تشریفات ویژه ای برای این دو عید مقرر می‌دارند. از جمله آداب و رسوم های قوم بلوچ عبارتند از: بچار (کمک در امر ازدواج)، چنده (کمک به امور دینی)، بیر (انتقام)، میارجلی (پناهنده پذیری)، تعهد به قول، مهمان دوستی، پتر (پذیرش قصور و اشتباه)، قسم جن طلاق(زن طلاق)(طاهری، ۱۳۸۶: ۱۰).

عوامل واگرایی قوم بلوچ

بلوچستان نه تنها از لحاظ مذهبی، زبان، روابط اجتماعی، فرهنگی با مرکز ایران پیوستگی کمتری دارد، بلکه اقتصاد بسته و خود مصرفی، علایق مادی این منطقه را با سایر مناطق ایران کم نموده است و از طرف دیگر وجود جاذبه های مختلف و تجانس های اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی باعث گرایش و همگرایی و رابطه زیاد با خارج گشته است. ارتباط بلوچستان ایران با بلوچستان پاکستان بنا به دلایلی از قبیل تاریخ، زبان، مذهب، نژاد، آداب و رسوم، مبادلات اقتصادی متقابل، وابستگی فامیلی و نسبی، بافت اجتماعی یکسان، خواسته های مشترک امری مسلم و انکار ناپذیر است. جدایی بلوچستان و واقع شدن آن در آنسوی مرزهای ایران باعث جدایی علایق فرهنگی و قبیله ای و اقتصادی نشده است. پس ارتباط بلوچستان با خارج از مرزها امری ریشه ای است. سابقه در تاریخ دارد؛ و این گرایش به خارج متأسفانه ظاهراً در حال افزایش است. وجود دو کویر لوت و هامون جاموزیان (با ویژگی خاص یک سد بزرگ) مانع عمده ای برای ارتباط سیستان و بلوچستان با مرکز کشور می باشد. با توجه به مسایل فرهنگی و مذهبی در می یابیم که شرایط به گونه ای می باشد که روحیه واگرایی را موجب گردیده است (مهری، جعفری، ۱۳۸۹: ۱۷).

عوامل واگرایی قوم بلوچ را به صورت کلی میتوان در دو شکل شکاف قومی و مذهبی و همچنین عامل محلی، ملی و فراملی تقسیم کرد که در این قسمت تلاش داریم به اختصار به آنها بپردازیم. به طور کلی ساختار اجتماعی قومیت ها در ایران و به طور اخص قوم بلوچ، همزمان دارای دو شکاف قومی و مذهبی است:

شکاف قومی: پراکندگی گروه های قومی در سراسر نقشه جغرافیای ایران، به گونه ای است که به طور یکنواخت تمام خاک ایران را به شکل موزاییکی از این گروه های قومی متفاوت است. وجود هنجار های قومی متفاوت و زبان متفاوت، این اقوام و گروه ها را به شکل واحد های مجزایی در آورده است که اغلب آنها با دنباله های فرامرزی خود در نواحی مختلف جغرافیایی ایران، احساس وابستگی می کنند(مقصودی، ۱۳۸۱: ۱۱۳). مطالعه این شکافها در میان قوم بلوچ را از چند دیدگاه می توان مورد تبیین قرار داد.

ساختار طایفه ای قوم بلوچ

بلوچ ها در قالب ده ها طایف بزرگ و کوچک سازماندهی شده اند. به گونه ای که شمار طایفه های بلوچ را از ۱۵۰ طایفه کوچک و بزرگ ذکر کرده اند. طوایف بلوچ از زمان هجوم مغول تا اواسط قرن ۱۹ از قدرت و توانایی های بسیاری برخوردار بوده اند. گرچه در دوره های مختلف تاریخی حکومت مرکزی سعی در کنترل طوایف و سرداران آنها را داشت؛ اما در دوره ضعف حکومت مرکزی، سرداران بلوچ در راس طوایف آغاز به گسترش حوزه ی نفوذ خود می کردند. وجود ساختار شبه فودالی در جنوب بلوچستان و سرداری در شمال بلوچستان، در نوع روابط سیاسی - اجتماعی و روابط اقتصادی با طوایف دیگر مستقر در این منطقه، از یک سو و با دیگر اقوام همجوار از سوی دیگر، تاثیر گذار بوده است؛ یعنی روحیه ی جنگجویی در طوایف شمال و بخش مرزی بلوچستان ایران بیشتر از طوایف جنوب بوده است؛ چرا که طوایف ساکن جنوب به کشاورزی و طوایف شمال به حرکت ناشی از شبانی و دامداری وابسته بوده اند. ساختار طایفه ای و سرداری در بلوچستان با ظهور دولت مدرن دستخوش تحولات اساسی شد. با روی کار آمدن سلسله پهلوی این ساختار بیشتر درهم کوبیده شد. با پیروزی انقلاب اسلامی این ساختار سنتی سرداری به شدت تضعیف شد، اما در قالب هاب جدیدی همچون مولوی ها دوباره آغاز به فعالیت کرده است (پیشگاهی فرد و امیدی، ۱۳۸۸: ۶۵).

اختلافات ناشی از ادعای قلمرو

تا اواسط قرن هجدهم میلادی همه ی بلوچ ها در داخل مرزهای ایران زندگی می کردند. تقسیم بلوچستان بین ایران و هندوستان تحت سلطه پاکستان در سال ۱۸۷۹م / ۱۲۹۰ ق. در پی سیاستهای امپریالیستی بریتانیا به وجود آمد (ضرغامی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). ساختار سرداری و طایفه ای سبب می شد تا رهبران ایلات بلوچ با همکاری دیگر طوایف، قلمرو دیگر ایلات و طوایف را مورد هجوم قرار دهند با نسبت به حکومت مرکزی ادعای استقلال کنند. در نتیجه، در دوره ی پیش از تمرکز گرایی در ساختار ایران، درگیری های ناشی از ادعای قلمرو در این بخش از کشور وجود داشت، اما پس از تمرکز گرایی در کشور از یک سو و کاهش اقتدار ساختاری سیاسی - اجتماعی سرداری از سوی دیگر، درگیریهای ناشی از ادعای قلمرو نسبت به حکومت مرکزی و همچنین نسبت به دیگر ایلات و عشایر کاهش یافت (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۱۱).

شکاف مذهبی

یکی دیگر از شکافهای فعال ساختار اجتماعی ایران، شکاف مذهبی است که در کنار شکاف قومی و نژادی خودنمایی می کند. بر اساس آمار موجود، حدود شش درصد از جمعیت کشور سنی مذهب هستند (حافظ نیا، ۱۳۸۸: ۱۴۷). استان سیستان و بلوچستان از دید ترکیب قومی، شامل بلوچ ها و سیستانی ها است. این دو گروه مذهبی از همدیگر تفکیک می شوند. سیستانی ها شیعه مذهب هستند و در این ویژگی با بدنه ی اصلی کشور سنخیت دارند و بلوچ ها سنی مذهب بوده و در این ویژه گی با بدنه ی اصلی کشور تفاوت دارند. بلوچ ها به لحاظ قومی با بلوچ های آن سوی مرز ایران اشتراک قومی و مذهبی دارند. در بلوچستان ایران، شهرهای چابهار، خاش، سراوان، ایرانشهر و نیک شهر دارای جمعیت اکثریت سنی هستند. این شهر بیشتر در بخش های جنوبی استان

سیستان و بلوچستان واقع شده‌اند و از دید ترکیب قومی و مذهبی از روابط کمتری نسبت به شهرهای شمال استان با بخشهای دیگر ایران دارند.

شهرهای استان	ترکیب مذهبی (شیعه)	ترکیب مذهبی (سنی)	قومیت عمده
چابهار، خاش، سراوان، ایرانشهر و نیک شهر	٪۵	٪۹۵	بلوچ
زابل	٪۶۰	٪۴۰	فارس
زاهدان	٪۵۰	٪۵۰	بلوچ و فارس

جدول ۱: توزیع جمعیت استان سیستان و بلوچستان برحسب ترکیب قومی و مذهبی

تفکر بلوچستان بزرگ

بوجود آوردن حکومت مستقل به نام بلوچستان بزرگ (متشکل از سرزمین بلوچها در ایران، پاکستان و افغانستان) که در آن بیش از ۵ میلیون بلوچ ایرانی، پاکستانی و افغانی زندگی می‌کنند. موضوعی بوده است که حدود ۵۰ سال پیش تا کنون بلوچهای پاکستان را مشغول نموده است و در طول این مدت به صورت مداوم در کشاکش جریانات سیاسی بوده‌اند. نقش شوروی سابق که آرزوی دیرینه اش مبنی بر رسیدن به آبهای گرم را در سر می‌پروراند را نباید از یاد برد؛ زیرا در قرن ۱۸ از طرف پطر کبیر مطرح بوده است. شوروی سابق برای اینکه بتواند دست یخ زده خود را به آبهای گرم خلیج فارس و دریای عمان برساند از هیچ فعالیتی فروگذار نکرده و اشغال افغانستان و تشکیل احزاب مختلف در پاکستان و خواب ایجاد بلوچستان بزرگ از بلوچستان افغانستان و پاکستان و نهایتاً ایران در همین راستا بوده است.

در ایران این تفکر (بلوچستان بزرگ) هم از قبل از انقلاب و هم در بعد از انقلاب وجود داشته و تشنجاتی را گروه‌های حامی این طرز تفکر ایجاد نموده‌اند؛ اما آنچه مسلم است چنین تفکری تا کنون خواستگاه مردمی نداشته است تا به عنوان ایده ملی مطرح گردد. بلکه تحت تاثیر القائات و حرکت‌ها و سیاستهای خارجی برخی کشورهای عربی منطقه و برخی از عوامل داخلی بوده، تا یک حرکت منبعث از بطن مردم. بلوچ هنوز محصور در بند طایفه و قبیله است. لیکن همجواری با پاکستان خود به خود امکان تماس گروه‌های دو طرف مرز و تاثیر پذیری از یکدیگر را فراهم می‌کند. یکی از ایده‌هایی که از بلوچستان پاکستان به بلوچستان ایران سرایت کرده، ایده خودمختاری می‌باشد که نه تنها به وسیله قلم و بیان روشنفکران و خوانین بلوچستان پاکستان مطرح و تبلیغ می‌شود، بلکه خودمختاری بلوچستان پاکستان خود بهترین عامل تحریکی است که به عنوان یک الگو ناراضیان بلوچ را به سوی خود دعوت می‌کند (مهري، جعفری، ۱۳۸۹: ۱۲).

عوامل برون ملی موثر بر واگرایی قوم بلوچ

دولت‌های منطقه‌ای: مداخله‌گری در بلوچستان اساساً از رویداد‌های پاکستان و افغانستان و نیز ماهیت روابط میان ایران و کشورهای عربی منطقه خلیج فارس و پیرامون آن سرچشمه می‌گیرد. نمونه‌ای از تاثیر درگیریهایی منطقه‌ای در طرح مساله قومیت را در بلوچستان ایران می‌توان در روابط ایران و عراق پس از روی کار آمدن حزب بعث در سال ۱۹۶۸ جستجو کرد.

بلوچ های پاکستان: پاکستان را اساسا پنجابی ها اداره می کنند و به بلوچ ها روی خوش نشان داده نمی شود. این امر زمینه ساز کاهش روحیه هم بستگی ملی شده به گونه ای که بلوچ ها به صورت شهروند درجه دوم نگریسته می شوند. بی سواد، فقر و ناتوانی حکومت پاکستان در رسیدگی به مناطق بلوچ نشین باعث شده است این ایالت عقب مانده ترین ایالت پاکستان باشد که خشم و رنجش بلوچ ها را به دنبال داشته است. روزنامه حب در نواحی که ملی گرایان بلوچ سکونت دارند، نفوذ زیادی دارد. بسیاری از سردمداران ملی گرای بلوچ از طریق این روزنامه خواستار توجه بیشتر به زبان و ادبیات بلوچی در ایران می شوند (عزیزی، آذر کمند، ۱۳۹۰: ۱۰۷).

بنیاد گرایی: بنیاد گرایی اسلامی نوعی شیوه تفکر و ایدئولوژی سیاسی است که برداشتی حداکثر گرا از دین دارد و آن را قادر به حل همه معضلات و گرفتاری های بشر می داند. این جریان فکری نسبت به توانایی خرد و دانش آدمی تردید دارد و بر این باور است که آنها قادر نیستند زندگی سعادت آمیز بشر را کاملا تامین کنند. از این رو برای نیل به سعادت و خیر باید تن به حاکمیت خداوند سپرد و او را در سرنوشت خود دخیل بداند. بنیاد گراها باور دارند که اسلامی که هم اکنون در جوامع اسلامی رایج است، اسلام حقیقی نیست و با اسلام راستین زمان پیامبر فرسنگها فاصله دارد. بنیاد گرایی اسلامی، عمل گر و پیکار جو است. استان سیستان و بلوچستان متناسب با زمینه های زید آسان تر در جریان تعالیم بنیاد گرایی مذهبی قرار می گیرد:

۱. وجود اکثریت اهل سنت در بلوچستان
۲. آزادی عمل وهابیون در پاکستان و کشیده شدن نواحی بلوچ نشین ایران به خارج از کشور زمینه فعالیت و تبلیغات وهابیون را تسهیل می کند.
۳. فقر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و ناهمگون مذهبی مرکز و پیرامون در ایران. تاثیر تبلیغات وهابیون مبنی بر این که جمهوری اسلامی ایران بک نظام شیعی است نه یک نظام اسلامی، سبب شده است اشرار محلی به راحتی در قالب مذهب علیه نیروهای دولتی عمل کنند (عزیزی، آذر کمند، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

جنبش دیوبندی: مکتب دیوبندی اساس بسیاری از افکار و پندارهای بنیاد گرایانه را تشکیل می دهد. خشونت در اجرای شریعت، تعصب و جزمی نگری، تصوف و دنیا گریزی و سرانجام ضدیت با شیعیان از ویژگی های مهم افکار دیوبندی است. طالبان در مقام سطحی ترین و بنیادگراترین برداشت از اسلام، دانش آموخته چنین مدارس دینی متأثر از افکار دیوبندی بوده اند.

عوامل تعدیل کننده شکاف قومی - مذهبی در سیستان و بلوچستان

بازارچه های مرزی: برای رفع محرومیت استان سیستان و بلوچستان و ایجاد اشتغال برای مرزنشینان با محوریت قراردادن منابع بازرگانی و تجاری استان در مصوبه ی توسعه ی محور شرق به جنبه های بازرگانی و تجاری اهمیت داده و با ایجاد بازارچه های مرزی و تاسیس منطقه میز تجاری صنعتی چابهار، گامهای برای توسعه استان برداشته شده است. بر همین اساس بازارچه های مرزی پیشین، میرجاوه و کوهک در سال ۱۳۷۱ تاسیس شدند. بازارچه های مرزی دیگری نیز در استان وجود دارند که هم از دید اقتصاد محلی و هم مرز نشینان اهمیت دارد که می توان به

بازچه های مرزی میلک در مرز ایران و افغانستان، بازارچه مرزی میرجاوه در ۱۵ کیلومتری میرجاوه و هم مرز با شهر تفتان در پاکستان، بازارچه مرزی صیادی پسابندر در شهرستان سرباز اشاره کرد. اهداف اصلی از ایجاد این بازارچه ها، رسمی کردن داد و ستد میان ایران با کشورهای پاکستان و افغانستان، ایجاد اشتغال برای مردم بومی و بالا بردن درآمد آنان از طریق تبادل کالا، کاهش قاچاق، حفظ ثبات و امنیت مرزی منطقه، همکاری با نیروی انتظامی و بهبود مسائل اجتماعی فرهنگی مردم این منطقه بوده است (ضرغامی، ۱۳۹۰: ۱۰۳).

تورسیم: بخش های جنوبی استان با یکی از بزرگترین منابع آبی کشور (دریای عمان) همجوار است. این همجواری موقعیت ویژه ای برای بهره برداری های جهانگردی و تفرجگاهی و انواع ورزشهای آبی از سواحل دریای عمان، به ویژه در ایام زمستان فراهم آورده است. از دیگر جاذبه های استان سیستان و بلوچستان پدیده ی گل افشان، آتشفشان تفتان و بزمان، تمساح پوزه کوتاه، کوه خواجه و غیره است.

صید و صیادی: سیستان و بلوچستان با دارا بودن ۲۷۰ کیلومتر مرز آبی با دریای عمان از ظرفیت های صیادی عظیمی چه در طول سواحل و چه در صیادی فراساحل برخوردار است. منابع دریایی به عنوان ارزان ترین منابع جهان که طبیعت آنرا پرورش داده است، تنها وابسته به دریا است.

نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

کشور ایران در طول تاریخ دیرپای خود و با توجه به موقعیت جغرافیایی اش، سرای بسیاری گروه های زبانی، قومی و مذهبی بوده است. یکی از این گروه ها، قوم بلوچ در استان سیستان و بلوچستان می باشد که اسباب و علل و بی شماری در حوزه داخلی و بیرونی در ایجاد و تشدید مسائل قومی و واگرایی آنها موثر بوده است که این مساله امنیت منطقه را دستخوش تهدیداتی جدی نموده است. اتفاقات چند سال اخیر در منطقه از درگیریهای قومی مذهبی در منطقه و ظهور داعش گرفته تا اعلام استقلال کردهای عراق به صورت یکجانبه نشان از این دارد که مساله قومیت و شکاف قومی - مذهبی در منطقه رو به افزایش گذاشته و اکثر کشورهای منطقه از ایران و عراق گرفته تا سوریه و ترکیه را مشغول خود ساخته و امنیت ملی آنها را تحت تاثیر قرار داده است. مساله قومیت در ایران همان گونه که مورد توجه برنامه ریزان و مدیران کشور است، مورد علاقه و توجه دشمنان داخلی و خارجی نیز بوده و هست؛ بنابراین درک احساسات قومی، هویت بخشی و تشخیص بخشی اقوام و احترام به حقوق اقلیت ها در قانون اساسی کشور، تغییر نگرش بخش مرکزی نسبت به پیرامون، فرصت سازی و تعبیه ی ساز و کارهای مشارکت ملی برای آنها، اجتناب از وحدت مکانیکی اقوام و تمرکز بر وحدت استراتژیک، پرهیز از راهبرد امنیتی نسبت به اقوام و قرار دادن استراتژی مذاکره و گفت و گو با اقوام به جای آن با هدف تامین امنیت ملی کشور، آزادسازی نیروی بالقوه ناحیه گرایی از طریق توزیع قدرت سیاسی اداری ملی در تمام مناطق جغرافیای کشور در چهارچوب الگویی متعادل و متوازن و بالاخره برقراری عدالت جغرافیایی تا اندازه بسیاری به ایجاد تفاهم ملی، کمک کند. لازم است در مسائلی که ایجاد همگرایی می کنند، سرمایه گذاری نمود. عوامل همگرایی، عوامل وحدت افزین و هم دل کننده می باشد که شامل دین اسلام و اعتقادات مشترک اسلامی از جمله ایمان به خداوند یگانه، پیامبر اسلام (ص)، نماز، روزه

و غیره ... می باشد. تاریخ و فرهنگ ملی، وابستگی سرزمینی و کشوری، ایجاد قدرت مرکزی قوی و ایجاد آرمان مشترک از اسباب ایجاد همبستگی است. در ضمن با انجام اقدامات لازم در جهت خنثی نمودن عوامل واگرایی می توان همگرایی بین بلوچ و ایران مرکزی هرچه بیشتر و بهتر محقق گردد.

منابع

- یورد شاهیان، اسماعیل (۱۳۸۶)، تبار شناسی قومی و حیات ملی، تهران، فرزانه روز.
- افشار، ایرج (۱۳۷۱)، بلوچستان و تمدن دیرینه آن، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رحمان زاده هروی، محمد (۱۳۹۳)، نژاد، قوم و ملت در ایران، تهران، نشر کتاب آمه.
- بوزان، باری، ویور، الی، ترجمه رحمان قهرمانپور (۱۳۸۸)، مناطق و قدرتها، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شیهان، مایکل، ترجمه سید جلال دهقانی فیروز آبادی (۱۳۸۸)، امنیت بین الملل، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رضایی، علی رضا (۱۳۸۵) "طرح تبیین وضعیت قومیت در جامعه ایران" تهران: دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی. عزیز، پروانه؛ آذر کمند، رزا (۱۳۹۰) "بررسی عوامل واگرایی قوم بلوچ و تاثیر آن بر امنیت کشور" تهران: فصلنامه دانشنامه، دوره اول شماره ۸۲.
- قمری، داریوش (۱۳۸۴) "همبستگی ملی در ایران" تهران: تمدن ایرانی.
- کاویانی راد، مراد (۱۳۸۹) "بررسی نقش هویت قومی در اتحاد ملی (مطالعه موردی قوم بلوچ)" پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- محرابی، علیرضا (۱۳۷۸) "تنوع قومیت و انسجام ملی در ایران: فرصتها، چالشها، راهبردها" - فصلنامه مطالعات فرهنگی. سال سوم. شماره ۷. پاییز.
- مسعودی، محمد صادق (۱۳۹۰) "تاثیر هویت های قومی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر قوم بلوچ" دانشگاه اصفهان.
- نوربخش، یونس (۱۳۸۷) "فرهنگ و قومیت برای ارتباطات فرهنگی در ایران" تهران: فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۴.
- طلوعی، هادی، ۱۳۹۵، رابطه مناسبات قومی و امنیت در استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه سیاست، سال سوم.
- ضرغامی، برزین، انصاری زاده، سلمان، ۱۳۹۱، تحلیل فرصتها و تهدیدهای ژئوپولیتیکی قوم بلوچ از دیدگاه نظریه ی شکافهای سیاسی - اجتماعی، پژوهشهای جغرافیای انسانی، شماره ۸۱.
- عباس زاده، هادی، کرمی، کامران (۱۳۹۰) "سرمایه اجتماعی و امنیت پایدار" تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره اول.